

روى موج کوتاه

سپاه:

هرگونه نفوذ آمریکایکاه خاک ایران را در لحظه سرکوب می‌کنیم

جانشین نیروی زمینی سپاه پاسداران گفت: هرگونه شرارت و نفوذ دشمن آمریکا را در همان لحظه نخست خنثی می‌کنیم. به گزارش دیده‌بان ایران، سر تیپ روح‌الله نوری در مراسم تکریم و معارفه فرمانده گروه پدافند هوایی ۱۰ محرم شاهرو، افزود: هویشیاری دائمی نیروهای مسلح و آمادگی مستمر آنان، ضامن امنیت پایدار کشور است و این آمادگی در تمامی بخش‌های عملیاتی با جدیت دنبال می‌شود.وی ادامه داد: ارتقای مستمر توان دفاعی، آموزش‌های تخصصی و توسعه زیرساخت‌های عملیاتی از مهم‌ترین اولویت‌های نیروی زمینی سپاه است تا یگان‌ها در برابر هر گونه تهدید احتمالی، آمادگی کامل داشته باشند.

□□□

قالبیاف:

آمریکاهم‌زمان با ادعای توقف جنگ، منطقه را نظامی‌تر می‌کند

رئیس مجلس نوشت: «امریکایا هم‌دامم تجهیزات نظامی جدید به منطقه می‌آورد و می‌گویند دنبال توقف جنگند. روی هوش ما نماند؛ آی کیوی مختصر خودشان حساب کرده‌اند.»
محمدمباقر قالیباف در «یکس» ادامه داد: «ما در شناخت این امریکای بازی‌ها به مرحله حساسه‌اتمامی رسیده‌ایم و بر این اساس آماده‌شدیم. اقدامات باید مؤید ادعاها باشد نه ناقض آنها».

اسکندر مومنی وارد اسلام آباد شد

وزیر کشور به دعوت همتای پاکستانی خود عصر دیروز وارد اسلام‌آباد شد. به گزارش ایرنا، اسکندر مومنی، اعضای هیات همراه در بدو روز از نسوی «سید محسن نقوی» وزیر کشور پاکستان و «ضامیری مقدم» سفیر ایران در اسلام‌آباد مورد استقبال قرار گرفتند. وزیر کشور قرار است در این سفر دو روزه ضمن دیدار با همتای پاکستانی خود، بارخیزاقام‌های بلندپایه کشور میزبان دیدار کند. برخی از مسوولان ارشد استان سیستان و بلوچستان، و زارتخانه‌های امور خارجه، نفت، صمت، اقتصاد و دارایی و گمرک در هیات وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران حضور دارند.

□□□

تهدید ترامپ علیه ایران پس از کشته شدن سربازان آمریکایی
رئیس جمهور آمریکا گفت: ایران باید برای قتل سربازان آمریکایی بهایی سنگین پرهیزد. دونالد ترامپ در تروث سوشال نوشت: «هر بار که ایران یک سرباز آمریکایی را می‌کشد، چندین برابر هزینه آن قتل را خواهد پرداخت. این دستور به وزیر جنگ، پیت هگرتز، رئیس ستاد مشترک ارتش، دانیل کین و تمام هم‌رسان ارتش ابلاغ شده است.»

□□□

ادعای رویترز درباره پیشنهاد آتش بس ۱۰ روزه
رویترز به نقل از یک مقام ایرانی مدعی شد که میناجی‌ها برای احیای توافق موقت میان ایران و آمریکا پیشنهاد آتش بس ۱۰ روزه داده‌اند. به گزارش فرارو، یک مقام ارشد ایرانی روز دوشنبه به رویترز گفت که میناجی‌ها پیشنهادی را برای کاهش تنش در جنگ با ایالات متحده به ایران ارائه کرده‌اند؛ پیشنهادی که شامل یک آتش بس ۱۰ روزه برای یافتن راه‌هایی جهت احیای توافق موقت حاصل شده در ماه گذشته است.

□□□

اعلام آمادگی پوتین برای تماس با رهبر انقلاب!

سخنگوی ریاست جمهوری روسیه گفت: «در حال حاضر هیچ ترتیب خاصی برای چنین تماس تلفنی وجود ندارد.» به گزارش فرارو، دبیرتری پسکوف، به خبرگزاری تاس گفت که در حال حاضر هیچ گونه هماهنگی مشخصی برای گفتگوی تلفنی میان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و سیدمحجتی خامنه‌ای، رهبر جدید ایران، در صورت گرفته است. اما پوتین از چنین تماس‌هایی استقبال می‌کند. وی ادامه داد: «در حال حاضر هیچ برنامه مشخصی برای چنین تماس تلفنی‌ای وجود ندارد. بنابراین، در این مقطع نمی‌توانیم اظهار نظر دقیقی داشته باشیم. اما البته، رئیس‌جمهور پوتین برای برقراری چنین تماس‌هایی آمادگی دارد.» پیش‌تر، یک منبع ایرانی به خبرگزاری تاس گفته بود که نخستین تماس بین المللی سیدمحجتی خامنه‌ای ممکن است گفتگوی تلفنی یادداری با پوتین باشد.

□□□

بارو:

دو کارمند سفارت فرانسه در ایران بازداشت و بعد آزاد شدند

وزیر امور خارجه فرانسه مدعی شد دو نفر از کارکن سفارت این کشور در تهران از سوی نیروهای امنیتی ایران بازداشت شده‌اند. ژان توتل بارو، انتشاریهیاری، به شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «عصر روز یکشنبه دو نفر از کارکن سفارت فرانسه در ایران از سوی سرویس‌های امنیتی ایران بازداشت شده‌اند.» وی ادامه داد: «این دو کارمند سفارت بدون ارائه هیچ دلیلی برای چند ساعت بازداشت شده‌اند اما در نهایت به سفارت بازگشته‌اند و قرار ساعت آینده به فرانسه بازگردند.» وزیر خارجه فرانسه در پایان اعلام کرد که در گفت‌وگو با وزیر امور خارجه ایران این حادثه را پیگیری کرده است.

□□□

امام جمعه اهل سنت میرجاوه ترور شد

پلیس سیستان و بلوچستان، اعلام کرد که صبح یکشنبه «فواد مسلح و ناشناس»، مولوی محمد انور ریگی، امام جمعه اهل سنت میرجاوه، را ترور کردند. در این اطلاعیه آمده است که مهاجمان بلافاصله پس از شلیک «باسلحه گرم، از محل متواری شدند.» بنابر این اطلاعیه، مرکز فوریت‌های پلیس پس از تیراندازی در نزدیکی مسجد جامع شهرستان میرجاوه بلافاصله وارد عمل شد اما مولوی محمد انور ریگی «به علت شدت جراحات» به شهادت رسید.

استاندار خوزستان:

بیش از ۱۱۰ اصابت در استان ثبت شده است
استانداران و فرمانداران مناطق جنوب ایران دیروز در دیداری مجازی به بررسی وضعیت استان‌ها و شهرستان‌های درگیر جنگ پرداختند. استاندار خوزستان، در این دیدار مجازی، گفت: «در این مدت بیش از ۱۱۰ اصابت داشتیم.» به گفته محمدرضا مولایی، هشت نفر در این حملات به شهادت رسیده‌اند. استاندار سیستان و بلوچستان، نیز گفت که این استان «تاکتو ۷۰ بار مورد حمله قرار گرفته است.» منصور بیجار، افزود: «بر ساختن دو پلندر و فرودگاه را برشهر که کاملاً مهندسی و غیر نظامی است، ساختمان هوشناسی و چهار نقطه در استان شامل خوابگاه‌ها و آرایشگاه سربازان، از اهداف این حملات بودند.»

نیهای فرخی

سال‌هاست که در رقابت‌های سیاسی ایران، سنگین‌ترین اتهام‌ها از «جاسوسی» و «نفوذ» تا «همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه»، گاه‌بدون آن که در هیچ مرجع رسمی اثبات شده باشند، از پشت‌تریبون‌های رسمی، صفحات، رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی علیه رقبای سیاسی مطرح می‌شوند. این اتهام‌ها نه به مخالفان که به بخشی از رقبای سیاسی درون نظام زده می‌شود و کمتر پیش آمده که چنین ادعاهایی برای گویندگان شان هزینه‌ای حقوقی در پی داشته باشد؛ تا آن که روز گذشته دادگاه تجدیدنظر، محکومیت کامران غضنفری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، را به دلیل توهین، افترا و نشر اکاذیب علیه حسن روحانی تأیید کرد.

اهمیت این پرونده فقط به محکومیت کامران غضنفری و بایبوری حقوقی رئیس‌جمهور سابق محدود نمی‌شود. هم‌زمان با انتشار خبر قطعی شدن این حکم، حمید رسایی نیز بار دیگر با ادبیاتی تند به رؤسای‌جمهور پیشین حمله کرد؛ اتفاقی که این پرسش را برزنگ‌تر می‌کند که آیا قوه قضاییه قصد دارد میان نقد سیاسی و اتهام‌زنی بی‌سند، مرز روشنی تعیین کند یا این حکم تنها به همین پرونده محدود است؟ پاسخ این پرسش می‌تواند بر شیوه رقابت‌های سیاسی نیز اثر بگذارد. رقابت‌هایی که گاه به جای نقدا، به چسب‌هایی مانند «جاسوس» «نفوذی» یا «خائن» همراه می‌شوند.

اتهام‌هایی که از تریبون مجلس به دادگاه رسید

پرونده‌ای که امروز به یکی از مهم‌ترین احکام سیاسی – حقوقی سال تبدیل شده؛ از مجموعه‌ای از اظهارات کامران غضنفری علیه حسن روحانی آغاز شد؛ اظهاراتی که صرفاً در چارچوب نقد عملکرد دولت دوازدهم باقی نماند و به نسبت دادن سنگین‌ترین اتهام‌های امنیتی کشیده شد.

غضنفری در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مطالب منتشرشده، رئیس‌جمهوری و پیشین را به همکاری با سرویس اطلاعاتی بریتانیا، داشتن تابعیت انگلیسی، ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی و حتی ارتکاب افساد فی الارض متهم کرده بود؛ اتهام‌هایی که در فضای سیاسی ایران، صرفاً یک اختلاف‌نظر یا نقد سیاسی تلقی نمی‌شوند، بلکه در صورت

شاید مهم‌ترین پرسشی که حکم کامران غضنفری پیش روی دستگاه قضایی قرار می‌دهد، همین است که آیا از این پس، انتساب اتهام‌های اثبات‌نشده، صرف‌نظر از این که علیه چه شخص یا از سوی کدام جریان سیاسی مطرح شود، با معیار واحدی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؟

یابان که این پرونده، استثنایی باقی خواهد ماند؟
شاید مهم‌ترین پرسشی که حکم کامران غضنفری پیش روی دستگاه قضایی قرار می‌دهد، همین است که آیا از این پس، انتساب اتهام‌های اثبات‌نشده، صرف‌نظر از این که علیه چه شخص یا از سوی کدام جریان سیاسی مطرح شود، با معیار واحدی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؟

شاید مهم‌ترین پرسشی که این پرونده، استثنایی باقی خواهد ماند؟

گفت و گو

اثبات، می‌تواند سنگین‌ترین پیامدهای کفری را در پی داشته باشد.

حسن روحانی پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری، مسیر شکایت حقوقی را انتخاب کرد. دادگاه‌بدوی پس از بررسی پرونده، نماینده تهران را بابت توهین و افترا به پرداخت جزای نقدی و بابت نشر اکاذیب اربانه‌ای به ۱۳ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم کرد. اکنون نیز دادگاه تجدیدنظر بار ادعای متهم، حکم را عیناً تأیید کرده است؛ حکمی که مطابق قانون، مجازات اشد یعنی حبس قابلیت اجرا خواهد داشت.

صرف‌نظر از نتیجه نهایی پرونده و امکان استفاده متهم از ظرفیت‌های قانونی مانند درخواست اعاده دادرسی، اهمیت این رأی در آن است که برای نخستین بار، یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جریان تندرو به دلیل تأسیس دادن چنین اتهام‌هایی با محکومیت قطعی قضایی روبه‌رو شده است.

چرا دادگاه دفاعیات غضنفری را نپذیرفت؟

شاید مهم‌ترین بخش ایمن پرونده نه خود حکم، بلکه استدلال دادگاه برای رد دفاعیات متهم باشد. کامران غضنفری در جریان رسیدگی قضایی اعلام کرده بود مطالب مطرح‌شده را بر پایه شنیده‌هایش از برخی اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس، گزارش‌های مرتبط با مسئولان و تابعیتی و برخی اطلاعات غیر رسمی بیان کرده است. او حتی در صلاحیت حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان را نیز به عنوان قرینه‌ای بر درستی ادعایش مطرح کرد اما دادگاه این استدلال‌ها را نپذیرفت.

در واقع، قاضی میان «درداشت سیاسی»، «شنیده‌های غیر رسمی» و «دلیل حقوقی» مرز روشن ترسیم کرد؛ دادگاه‌ده هیچ‌یک از این موارد به معنای اثبات اتهام‌های چون جاسوسی یا همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی نیست و تا زمانی که چنین ادعاهایی در مرجع صالح قضایی اثبات نشده باشند، امیر حیات مقدم بر آن نیست؛ بلکه صرفاً موضوعی است که در اختیار قاضی قرار می‌گیرد. سپس، به جای آن که اتهام‌زننده موظف به ارائه سند باشد، این فرد متهم است که باید بی‌گناهی خود را ثابت کند.

در مرحله بعد نیز اگر مطالبه ارائه‌سند مطرح شود، پاسخ معمولاً به مجموعه‌ای از عبارات‌های اکتفا به ختم می‌شود: «مناجع مطلع گزارش‌هایی وجود دارد.» «مناجع مطلع گفته‌اند.» «پرونده‌هایی هست که هنوز منتشر

پرونده دادگاه غضنفری، امید را به رعایت یک اصل در صدور احکام مشابه تقویت کرد؛

خط‌کشی میان نقد سیاسی و اتهام امنیتی



نشده» یا «اسناد محرمانه‌ای وجود دارد که فعلاً امکان انتشار آن‌ها نیست.»

این الگو، بار اثبات را به شکلی نامحسوس جابه‌جای کند و به همین دلیل، اهمیت رأی اخیر شاید بیش از هر چیز در بازگرداندن همین اصل بنیادین باشد؛ اصلی که می‌گوید هیچ جایگاه سیاسی، هیچ تریبون رسانه‌ای و هیچ ادعای ستودی به اطلاعات محرمانه، جایگزین سند و دلیل قابل استناد در دادگانه نمی‌شود. این همان نقطه‌ای است که پرونده غضنفری را از یک اختلاف شخصی میان یک نماینده مجلس و یک رئیس‌جمهوری سابق فراتر می‌برد. رأی صادرشده، در واقع با یک ضابطه واهی سیاسی، بلکه دسته‌شده‌ای که در آن، گاه اتهام جای استدلال را می‌گیرد و بر چسب، جای نقد.

دادگاه حکم داد، رسایی ادامه داد

امادان این میان هنوز خبر تأیید حکم قطعی کامران غضنفری در رسانه‌ها دست به دست می‌شد که فضای سیاسی ایران، شاهد نمونه دیگری از همان ادبیاتی بود که این پرونده را به یکی از مهم‌ترین اخبار روز تبدیل کرده بود. حمید رسایی، دیگر نماینده مجلس و از چهره‌های شناخته‌شده جریان تندرو، در اظهاراتی سسه رئیس‌جمهوری پیشین ایران را هدف حملات تند و تعبیر تحقیرآمیز قرار داد. سخنانی که اگر چنان‌که نظر حقوقی با پرونده غضنفری یکسان نیست و تاکنون موضوع رسیدگی قضایی قرار نگرفته، اما از منظر سیاسی، بر سرش همگی را پیش روی افکار عمومی می‌گذارد.

همین هم‌زمانی نیز ارزش تحلیلی پرونده را دوچندان می‌کند. اگر محکومیت غضنفری را تنها اختلافی میان حسن روحانی و یک نماینده مجلس بدانیم، بر پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که چرا همان روز، همان ادبیات از تریبونی دیگر تکرار شد و شاید به همین دلیل است که اهمیت این پرونده بیش از آن که در نام اشخاص باشد، در سنجش میزان تغییر یک فرهنگ سیاسی نهفته است.

در مرحله بعد نیز اگر مطالبه ارائه‌سند مطرح شود، پاسخ معمولاً به مجموعه‌ای از عبارات‌های اکتفا به ختم می‌شود: «مناجع مطلع گزارش‌هایی وجود دارد.» «مناجع مطلع گفته‌اند.» «پرونده‌هایی هست که هنوز منتشر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جریان‌های

رادیکال در بسیاری از کشورهای جهان، تبدیل

اختلاف سیاسی به اختلاف امنیتی است. در چنین فضایی، رقیب دیگر صرفاً سیاستمداری نیست که برنامه‌ای متفاوت ارائه کرده یا تصمیمی اشتباه گرفته باشد؛ بلکه به تدریج، با بر چسب‌هایی چون «نفوذی»، «عامل بیگانه»، «جاسوس» «خائن» یا «همراه دشمن» از دایره رقابت مشروع خارج می‌شود. در این الگو، دیگر ضرورتی ندارد عملکرد رقیب نقد شود؛ زیرا اگر مخاطب بپذیرد او اساساً وابسته یا خائن است، دیگر شنیدن استدلال‌هایش نیز بی‌معنا خواهد بود. همین مسئله است که استفاده بی‌ضابطه از اتهام‌های امنیتی را به پدیده‌ای فراتر از یک توهین معمولی تبدیل می‌کند. وقتی «جاسوس» به یک بر چسب سیاسی تبدیل شود، دیگر معنای حقوقی و امنیتی این واژه نیز آسیب می‌بیند.

حقوقی و امنیتی این واژه نیز آسیب می‌بیند.

چرا بر چسب جاسوسی خطرناک‌تر از یک توهین است؟

در هر کشوری، اتهام جاسوسی از سنگین‌ترین اتهام‌های کفری و امنیتی به شمار می‌رود؛ زیرا به‌طور مستقیم با امنیت ملی، استقلال کشور و منافع عمومی ارتباط دارد. اما هنگامی که چنین واژه‌ای بدون رأی دادگاه، بدون سند و صرفاً در چارچوب رقابت سیاسی به کار گرفته شود، به پیامدهایم، به دنبال دارد نخست، تشدید اشخاص پیش از هر گونه رسیدگی قضایی تخریبی می‌شود.

دوم، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی آسیب می‌بیند. جامعه‌ای خود می‌برد اگر فردی واقعاً جاسوس است، چرا آزادانه فعالیت می‌کند و اگر جاسوس نیست، چرا یک مقام رسمی می‌تواند چنین اتهامی را بدون پیامد مطرح کند؟

و سوم، شاید مهم‌تر از همه، حساسیت جامعه نسبت به پرونده‌های واقعی امنیتی کاهش پیدا می‌کند. تکرار بی‌ضابطه واهی مانند «نفوذ» «جاسوسی» باعث می‌شود این مفاهیم، به جای آنکه هشدار دهنده باشند، به بخشی از جدال‌های روزمره سیاسی تبدیل شوند؛ از همین منظر، رأی صادرشده در پرونده غضنفری را می‌توان به صرفاً دفاع از یک شخصیت سیاسی، بلکه دفاع از اعتبار مفاهیم امنیتی نیز دانست.

مصونیت نمایندگی یا مسئولیت بیشتر؟

از سوی دیگر یکی از بحث‌هایی که همواره پس از چنین پرونده‌هایی مطرح می‌شود، حدود آزادی بیان نمایندگان مجلس است. نمایندگان، مطابق قانون، در بیان دیدگاه‌های خود درباره مسائل کشور، آزاد می‌باشند؛ اما از آنجایی که این آزادی، یکی از ارکان پارلمان است، اما همین جایگاه، مسئولیت آنان را نیز سنگین‌تر می‌کند.

وقتی یک شهروند عادی سخنی را مطرح می‌کند، دامنه اثر آن محدود است؛ اما زمانی که همان سخن از پشت تریبون مجلس یا در جایگاه نمایندگی مردم بیان می‌شود، برای بخشی از جامعه اعتبار رسمی پیدای می‌کند. به همین دلیل، آزادی بیان نماینده نمی‌تواند به معنای آزادی در نسبت دادن اتهامی بدون ارائه دلیل باشد. در واقع، هر چه تریبون بزرگ‌تر باشد، میزان نقد، تخریب و افترا در سیاست باید سنگین‌تر باشد.

اما شاید مهم‌ترین پرسشی که این پرونده پیش روی دستگاه قضایی و فضای سیاسی قرار می‌دهد، همین است که آیا از این پس، انتساب

وقتی یک شهر و ندادعی

سخنی را مطرح می‌کند، دامنه اثر آن محدود است؛ اما زمانی که همان سخن از پشت تریبون مجلس یا در جایگاه نمایندگی مردم بیان می‌شود، برای بخشی از جامعه اعتبار رسمی پیدای می‌کند. به همین دلیل، آزادی بیان نماینده نمی‌تواند به معنای آزادی در نسبت دادن هر اتهامی بدون ارائه دلیل باشد

اتهام‌های اثبات‌نشده، صرف‌نظر از این که علیه چه شخص یا از سوی کدام جریان سیاسی مطرح شود، با معیار واحدی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؟ یا این که این پرونده، تنها استثنایی در میان دهان‌مونه مشابه‌ای خواهد ماند؟ پاسخ این پرسش، تنها در آینده روشن خواهد شد.

از این پس، هر مقام، فعال سیاسی یا صاحب‌تریبونی که بدون سند، افترا یا بهار کتاب جرایم امنیتی متهم کند، با همان معیار حقوقی مواجه‌شود، می‌توان گفت رأی اخیر، آغاز شکل‌گیری رویکره جدید بوده است.

حکم به سود سیاست، نه فقط یک سیاستمدار

در این میان شاید بزرگ‌ترین خطا آن باشد که این پرونده به پیروزی حسن روحانی یا شکست کامران غضنفری تقلیل داده شود. اهمیت این رأی، فراتر از نام اشخاص است. این حکم نه روحانی را از نقد مصون می‌کند و نه باید چنین کند. دولت‌های یازدهم و دوازدهم، مانند هر دولت دیگری، می‌تواند موضوع شد بدترین نقدهای امنیتی، سیاسی، فرهنگی یا سادیلیماتیک قرار گیرد. اما نقد عملکرد دیناستبدان جرم تفاوت دارد.

می‌توان سیاست خارجی یک دولت را شکست‌خورد ندانست، عملکرد اقتصادی آن را نقد کرد، در باره تصمیم‌های سخت‌ترین قضاوت‌ها را داشت؛ اما اگر قرار باشد شخصی را به دلیل ورای مرجع صالح در آن اعتبار داد، باید چنین هم‌زمانی را نیز به همین باشد؛ سیاست بدون مرز میان نقد و افترا، به میدان حفر قیپ تبدیل می‌شود و در چنین میدانی، هیچ کس در امان نخواهد ماند.

پرونده کامران غضنفری احتمالاً پایان اتهام‌زنی در سیاست ایران نخواهد بود، اما می‌تواند نقطه عطفی باشد. این حکم نشان می‌دهد که نسبت دادن اتهام‌های سنگین امنیتی بدون سند و صرفاً بر پایه شایعات، بولتن‌های غیر رسمی یا بازنشانی‌های سیاسی دیگر به‌سادگی قابل توجیه نیست و تریبون سیاسی جایگزین مدرک محسوب نمی‌شود. باین حال، اهمیت واقعی این رأی به نحوه اجرای آن بستگی دارد. اگر این معیار برای همه جریان‌های سیاسی و همه صاحبان تریبون بدون تبعیض اعمال شود، می‌تواند به روشن‌تر شدن مرز میان نقد، تخریب و افترا در سیاست ایران کمک کند. اما اگر این پرونده به یک استثنا تبدیل شود، این حکم تنها پایان یک دعوی حقوقی نخواهد بود، نه آغاز تغییری در شیوه سیاست‌ورزی.

یکی بززند، ما ۱۰ تا جواب می‌دهیم

حیات‌مقدم خاطرنشان کرد: به هر حال، یک تفاهم‌نامه‌ای بین دو رئیس‌جمهور امضا شد که ۱۴ بند دارد. بندها شفاف است و طرف‌مقابل آن را قبول و امضا کرد؛ در سطح رئیس‌جمهور هم امضا کرد. ولی این‌ها پایبند نیستند و تمام این‌بندهار انقض کرده‌اند و اکنون هم حملاتشان ادامه دارد. در صورتی که یکی بززند، ما هم ده تا جواب می‌دهیم. ما الحمدلله اکنون خودمان یک کشور قدرت‌برتر منطقه هستیم که در آن تردیدی وجود ندارد. هم‌گمان کرده‌دیده‌اند؛ دشمن یکی بزند، ما ده تا می‌زنیم، الحمدلله امروز پاسخگو هستیم.

نماینده بنتر ماهشهر، امیدیه، هندیجان و بندر امام (ره) با بیان این که هدف اصلی حملات جدید دشمن، سواحل جنوبی کشور است، گفت: این نکته را لازم است درباره حملات دشمن به سواحل جنوبی بگویم که به خیال خودشان می‌خواهند توان نظامی ما را از بین ببرند تا بتوانند سواحل را محاصره کنند و بعد از آن تگه‌هرمز را باز کنند که هیچ‌وقت به این هدف دست پیدا نمی‌کنند. وی تأکید کرد: هر مز در اختیار ما و مسدود است و این اقدام هم توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته است. ما مسلط هستیم و این راه‌ی به خلیج فارس ندارند. اگر نخواهند کاری در در یای عثمان دولت را می‌دهند و حملات دفعات قبل بروند و مثلاً محاصره در یایی انجام دهند، دیگر چنین چیزی برایشان امکان پذیر نیست.

نیویورک تایمز:

خطر وقوع جنگ تمام‌عیار بالا رفته است

هم از سوی تهران و هم واشنگتن، مسدود شده است؛ در حالی که آمریکا محاصره بنادر ایران را دوباره برقرار کرده است.



هم از سوی تهران و هم واشنگتن، مسدود شده است؛ در حالی که آمریکا محاصره بنادر ایران را دوباره برقرار کرده است.

در چند روز گذشته، تهران و واشنگتن ضرباتی به یکدیگر وارد کرده‌اند که به سرع‌تاز حمله به اهداف نظامی فراتر رفته و به تدریج

سطح خطر گسترش جنگ را بالا برده است. نیویورک تایمز نوشت: پس از بیش از یک هفته حملات که به آتش بس ناموفق را از هم پاشیده، درگیری میان ایالات متحده و ایران بر لبه پر نگاه‌قرار گرفته است. اکنون، به گفته تحلیلگران، زمان آن رسیده است که راه‌ی برای کاهش تنش در این رویارویی

به‌شدت و به‌صورت فزاینده مخرب پیدا شود؛ در غیر این صورت خطر آن وجود دارد که جنگی آغاز شود که مانند یک زنجیره واکنش، فراتر از توان کنترل طرفین آمریکاهم راهی کردند، در عبور از تنگه انتخاب در ادامه این مطلب آمده است؛ هر دو طرف به تأسیسات آب و شیرین کن حمله کردند؛ ترد در تنگه حیاتی همز بار دیگر،